



امروز شما



- فروردین** مهر
- اردیبهشت** آبان
- خرداد** آذر
- تیر** دی
- مرداد** بهمن
- شهریور** اسفند

کشف آجرهای لعابدار برجسته با نقوش گاو نر و ماراژدها در تخت جمشید



سرپرست ایرانی هیئت باستان‌شناسی گفت: کاوش‌های هیئت ایتالیایی در محوطه باستانی دروازه پارسه تخت جمشید به کشف آجرهای لعابدار برجسته به تابلوهایی با نقوش گاو نر و ماراژدها می‌شود. سرپرست ایرانی هیئت باستان‌شناسی گفت: کاوش‌های هیئت ایتالیایی در محوطه باستانی تل آجری شهر پارسه تخت جمشید به سرپرستی مشترک علیرضا عسکری چاوردی از دانشگاه شیراز و پروفیسور پی‌یر فرانچسکو کالیری از دانشگاه بولونیا به انجام رسید. علیرضا عسکری چاوردی محوطه تل آجری را همان محوطه‌ای خواند که ویرانه‌های دروازه پارسه در آن کشف شده و تصریح کرد: این بنای بزرگ و باشکوه در منطقه باغ فیروزی در ۳.۵ کیلومتری شمال‌غربی تختگاه تخت جمشید قرار دارد.

نتایج باستان‌شناسی این فصل از کاوش‌های باستان‌شناسی در این محوطه را شناسایی فونداسیون دو برج بزرگ ضلع جنوب شرقی و جنوب‌غربی در این دروازه تاریخی اعلام کرد و گفت: همچنین در این فصل، نمای بخش غربی بنای دروازه به طول ۴۰ متر نمایان شد. این باستان‌شناس افزود: در روند کاوش‌های این فصل، پلان این بنای تاریخی بیش‌ازپیش به‌صورت نسخه‌ای مشابه از دروازه ایشتر بابل ظاهر می‌شود که در آن ویژگی‌های جدید و بدیعی مانند هسته خشت و گلی دیوارهای آجر پخته نمایان شده است.

من چیزهایی می‌بینم که دیگران نمی‌بینند



فرشته میرزایی نویسنده کتاب «من چیزهایی می‌بینم که دیگران نمی‌بینند» به تأثیر سحر و جادو در زندگی انسان‌ها در قالب رمانی تجربی می‌پردازد، کتابی که به‌تازگی روانه بازار نشر شده است. به گزارش خبرنگار فرهنگی مهر، من چیزهایی می‌بینم که دیگران نمی‌بینند رمان برگزیده دومین دوره جایزه ادبی کوچه ماجرای دختری به نام نگار است که وقتی همسرش از دنیا می‌رود، گمان می‌کند این مرگ طبیعی و عادی نیست. چون فردای همان شبی که دعویاش می‌شود و همسرش خانه را ترک می‌کند، به‌جای این که خودش برگردد، جنازه‌اش بازمی‌گردد و از طرفی، وقتی بر سر مزار دست بر خاک او می‌کشد، حس می‌کند خاک انگشتان او را می‌خواهد در خود فروبرد و حلقه‌اش در خاک جا می‌ماند.

طلمس و جادو و پیشنهاد باطل کردن سحر می‌شنیدم. البته تکلیف ما با خدومان از ابتدا مشخص بود اما همه این‌ها بهانه‌ای شد برای نوشتن این رمان. در بخش دیگری از این رمان آمده است: دخمه‌ای کوچک و تاریک بود که صدای‌های اتاق انتظار را هم نداشت، باهمان موقت طوسی چرک. روی دیوارها هم خبری از آیات قرآن نبود، خالی. به نظر می‌رسید پشت پرده سرتاسری روبه‌رویم، پنجره‌ای باشد. همان‌جا نزدیک در ایستادم. چشمم به در بود تا آقا وارد شود. صدایی از پشت پرده آمد: «آقا کرم، در رو باز بذار و برو» و مرد که اسمش کرم بود، اتاق را ترک کرد. من ماندم و صدای پشت پرده... (ص ۷۵)

نمایش شاهکار «بوتیچلی» در دوی



یک تابلو نقاشی نادر اثر «بوتیچلی» نقاش نامدار رنسانس که انتظار می‌رود به زودی ده‌ها میلیون دلار فروخته شود در دوی نمایش داده می‌شود. به گزارش ایلنا و به نقل از نشنال، دویی از هفته آینده میزبان «مرد غمگین» اثر «ساندرو بوتیچلی» خواهد بود که انتظار می‌رود در حراجی سائیتز در ۴۰ میلیون دلار به فروش برسد. «مرد غمگین»، پرت‌رهای است که در آن مسیح درحالی‌که تاجی از جنس خنجر بر سر دارد به تصویر کشیده شده است. در این نقاشی فرشتگان به نحوی دور سر مسیح نقاشی شده‌اند که هاله‌ای از نوربالاتی سر مسیح دیده شود. در اواخر قرن پانزدهم میلادی و اوایل قرن شانزدهم میلادی، یعنی در سال‌های پایانی عمرش، «بوتیچلی» به خلق تابلوهایی نقاشی با موضوعات مذهبی روی آورد؛ این درحالی‌است که او در ابتدا بیشتر نقاشی‌هایی از اشراف‌زادگان فلورانس خلق می‌کرد.

نگران سردی این رابطه نباش. به‌مرورزمان و با شناخت بیشتر همه چیز تغییر خواهد کرد و این رابطه محکم خواهد شد. دوباره شانس در خانه تو را می‌زند. کافی است این در را باز کرده و با روی خوش به استقبال آینده بروی. فرصت‌های خوبی در اختیارتاری فقط باید وقت شناس باشی و از آن‌ها استفاده کنی.



خواندن

مهدی هاشمی:

از یک حدی بیشتر خجالت می‌کشم بازی کنم!



مهدی هاشمی گفت: از یک حدی بیشتر خجالت می‌کشم بازی کنم و همیشه به کارگردان‌ها می‌گویم که تا چه حدی می‌توانم در نقش طنز بازی کنم و از آن بیشتر باید سراغ جری لویس بروند. به گزارش ایستا به نقل از روابط عمومی موزه سینما، موزه سینمای ایران در ادامه انتشار سلسله نشست‌های تاریخ شفاهی خود به مناسبت زادروز مهدی هاشمی بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون بخش‌هایی از گفتگوی تاریخ شفاهی این هنرمند را که اسفندماه ۱۳۹۹ انجام داده را منتشر کرده است که در زیر می‌خوانید.

مهدی هاشمی با بیان اینکه در شهر لنگرود به دنیا آمده است، گفت: یادم می‌آید در کودکی گریه می‌کردیم و از پدرمان می‌خواستیم تا ما را به چمنخاله برای شنا کردن ببرد. از کودکی به شنا علاقه داشتم تا آنجا که امروز یک شناگر ماهر هستم و اگر پاهایم آسیب ندیده بود، می‌خواستم در مسابقه شای کهنسالان شرکت کنم.

وی ادامه داد: در دانشکده هنرهای زیبا رشته هنرهای نمایشی قبول شدم و در آنجا با داریوش فرهنگ آشنا شدم، مردی از جنوب که از آبدان آمده بود و من مردی که از شمال آمده بودم. این برخورد برای من سازنده بود و همیشه از او تشکر می‌کنم و دائم به او می‌گویم خوب شد که با او آشنا شدم.

هاشمی درباره اهمیت و جایگاه بازیگر در ساخت فیلم، افزود: بازیگر حضورش مهم‌تر از همه چیز است و مخصوصاً حضور مقابل کارگردان زیرا در یک فیلم یا تئاتر، کارگردان است که همه موارد را می‌داند و ما هم روبروی کارگردان می‌ایستیم تا ببینیم از ما چه چیزی می‌خواهد. بخش زیادی از حضور ما مقابل کارگردان به دلیل شباهت نقش است. یادم می‌آید زمانی که نقش دکتر قریب را بازی کردم در وسط‌های کار نمی‌دانستم من دکتر قریب هستم و یا او شبیه من است. سلیقه، نظر، زندگی، رفتار و کردار دکتر قریب برای باورپذیری نقش مهم بود و من تلاش کردم تا بتوانم در این نقش به او خیلی نزدیک باشم. وی درباره همکاری خود با دکتر رفیعی نیز خاطرنشان کرد: دکتر رفیعی در ساخته شدن من تأثیر زیادی داشت. نمایشی با او کارکردیم که من نقش ناصرالدین‌شاه جوان را بازی می‌کردم. برای این نقش دکتر رفیعی یک سال با بدن و بیان ما کارکرد.

هاشمی افزود: علت اینکه برای «دو فیلم با یک بلیت» جایزه گرفتم این بود که در آن سال در جشنواره فیلم فجر دوستان من برای همه ما اهمیت زیادی دارند.

عکس روز:



ایران قدیم ۱۲۰ سال پیش

شهروند عکاس

عکس‌های حرفه‌ای خود را با کیفیت مطلوب به آدرس ایمیل روزنامه طلوع ارسال

toloudaily@gmail.com

کنید تا در روزنامه درج گردد